



دیوسکوریدس، پدانبوس

پدیدآورنده (ها) : محمدی فر، شمامه

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۱۸ (دکن - ذوالقرنین)

صفحات : از ۷۲۰ تا ۷۳۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1700966>

دانلود شده توسط : احسان رضانی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۰/۱۲/۱۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقدمه کتاب الحشائش نوشته است، از چند نفر از پیشینیان و معاصرانش نام می‌برد که تاریخ زندگی برخی از آنها معلوم است، از جمله باسوس^{۱۲} (← دیوسکوریدس، چاپ دوبلر^{۱۳} و ترس^{۱۴}، ص ۲: «بس»، چاپ گونتر^{۱۵}، ص ۱: "Julius Bassus") که احتمالاً همان ژولیوس لاکانیوس باسوس (کنسول روم در سال ۶۴ میلادی و دوست آرنیوس) است (← ابن عبری، ص ۹۲؛ نیز ← پلینیوس / پلینی اکبر^{۱۶}، ج ۷، کتاب ۲۶، ص ۲۶۸-۲۶۹، پانویس ۵؛ بزرگی^{۱۷}، ص ۸۳؛ استنرد، ۱۹۹۹، ص ۵۹). دیوسکوریدس در شهر عین‌زربه* / انزربه^{۱۸} (امروزه آنواوزه^{۱۹} در ترکیه)، نزدیک طرسوس (مرکز ایالت قدیم کیلیکیه، در جنوب غربی آسیای صغیر) به دنیا آمد. این منطقه جزو متصرفات روم بود و در دوره اسلامی، به عین‌زربی (معرب آن)، شهرت یافت. از این رو برخی مؤلفان دوره اسلامی نسبت عین‌زربی را برای دیوسکوریدس ذکر کرده‌اند (← ابن ندیم، ج ۲، جزء ۱، ص ۲۸۶؛ ابن ابی‌اصیبه، ص ۵۸؛ نیز ← دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، مقدمه هوشنگ اعلم، ص ۱). جالینوس نیز به محل تولد او اشاره کرده است (← زندگینامه علمی دانشوران^{۲۰}، ذیل ماده).

از نامه دیوسکوریدس در ابتدای کتابش، اطلاعات مهمی درباره زندگی او به دست می‌آید. به نظر می‌رسد او در طرسوس درس خوانده و سپس به سپاه روم پیوسته باشد. احتمالاً در آن دوره، فرصت تحصیل روشمند درباره تشخیص، تهیه و کاربرد داروها را نداشته است. ظاهراً او با آرنیوس طرسوسی زندگی می‌کرده و به سبب خدمت در سپاه روم به اسکندریه رفته و به کتابخانه بزرگ اسکندریه دسترسی یافته و از منابعش بهره برده است (← دیوسکوریدس، چاپ کرناریوس^{۲۱}، ص ۲؛ زندگینامه علمی دانشوران، همانجا؛ ناتان^{۲۲}، ص ۱۷۴-۱۷۵). همچنین باتوجه به نامها و اوصافی که برای گیاهان آورده است، به نظر می‌رسد به مناطق مختلف، از جمله سوریه، احتمالاً مصر و به گواه برخی، هند و کشورهای افریقایی و نیز اسپانیا و ایتالیا سفر کرده که در تجربه‌اندوزی وی در شناخت داروها مؤثر بوده است (← پارکر^{۲۳}، ص ۷۳۱؛ استنرد، ۱۹۹۹، ص ۶۰؛ ناتان، ص ۱۷۵).

بیشتر منابع دیوسکوریدس را پزشک و، به عبارت دقیق‌تر، جراح سپاه خوانده‌اند (← ادامه مقاله)، اما به‌جز جمله کوتاهی

Goodwin, *A history of Ottoman architecture*, London 1992; idem, "Turkey", in *Architecture of the Islamic world*, ed. George Michell, London: Thames and Hudson, 1984; Oleg Grabar, *Islamic visual culture, 1100-1800*, vol.2, Aldershot, Engl. 2006; *The Grove encyclopedia of Islamic art and architecture*, ed. Jonathan M. Bloom and Sheila S. Blair, Oxford: Oxford University Press, 2009; Derek Hill, *Islamic architecture and its decoration, A. D. 800-1500*, London 1967; John D. Hoag, *History of world architecture: Islamic architecture*, Milano 2004; *Islam: art and architecture*, ed. Markus Hattstein and Peter Delius, Königswinter: Könemann, 2004; R. A. Jairazbhoy, *Islamic architecture*, Lahore 2000; Gülru Necipoğlu, "Anatolia and the Ottoman legacy", in *The Mosque: history, architectural development & regional diversity*, ed. Martin Frishman and Hasan Uddin Khan, London: Thames and Hudson, 1997; Behçet Ünsal, *Turkish Islamic architecture in Seljuk and Ottoman times, 1071-1923*, London 1973.

/ میثم جلالی /

دیوسکوریدس، پدانیوس^۱، گیاه‌دارشناس مشهور

یونانی در سده نخست میلادی که در گیاه‌شناسی دوره اسلامی تأثیرگذار بود. وی کتابی درباره خوراکیهای درمانی، به‌ویژه داروهای ساده جانوری، کانی و عمدتاً گیاهی تألیف کرده که در دوره اسلامی، به الحشائش معروف شده است.

۱) **زندگی.** دیوسکوریدس احتمالاً بین سالهای چهل و نود میلادی و در زمان حکومت پبلیوس کلودیوس^۲ (سیاستمدار رومی)، نرون^۳ و وسپاسیانوس^۴ (هر دو از امپراتورهای روم) زندگی می‌کرد (← دیوسکوریدس، چاپ اُسبالدستون^۵ و وود^۶، مقدمه، ص xx؛ یاروسلاو لوی^۷، ص ۵۸۸؛ استنرد^۸، ۱۹۹۹، ص ۶۰). تاریخ زندگی او را می‌توان از نوشته‌های برخی معاصران او و نیز مطالبی که جالینوس (متوفی ۱۹۹ یا ۲۰۰ م) از نوشته‌هایش نقل کرده است، به دست آورد. اروتیانوس^۹، مفسر آثار بقراط در زمان نرون، از دیوسکوریدس نام برده است (← ایلببرگ^{۱۰}، ص ۱۱۶؛ نیز ← ادامه مقاله). همچنین دیوسکوریدس در نامه‌ای به آرنیوس طرسوسی^{۱۱}، که به عنوان

1. Dioscorides, Pedanius	2. Poblus Clodius	3. Nero	4. Vespasian	5. Osbaldeston
6. Wood	7. Jaroslav Levy	8. Stannard	9. Erotianus	10. Ilberg
11. Areios of Tarsus	12. Julius Laecanius Bassus	13. Dubler	14. Terés	15. Gunter
16. Pliny [the Elder]	17. Bezezcky	18. Anazarbus	19. Anavarza	
20. <i>Dictionary of scientific biography</i>	21. Cornarius	22. Nutton	23. Parker	



De Bagdad & Ispahan, p.233

دو صفحه از الحشایش، ترجمه فارسی غیاث‌الدین محمد رضوی، نسخه ش ۱۲۳- D موجود در بنیاد خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه سن پترزبورگ

پزشکی تفکیک کرده‌است (پارکر، همانجا). همچنین از او به‌عنوان بزرگ‌ترین گیاه‌شناس و پزشک رومی و هلنیستی دوره پلینی (متوفی ۷۹م) یاد شده‌است (سارتون^۱، ج ۱، ص ۲۴۴). نام دیوسکوریدس در منابع اسلامی به‌صورت‌های گوناگونی، مانند دیاسقوریدس، دیاسقوریدوس، ذیاسقوریدوس، دیسقوریدس و دیسقوریدوس آمده‌است (ابن ندیم، همانجا؛ ابن‌جلجل، ص ۲۱؛ قفطی، ص ۱۸۳؛ ابن‌ابی‌اصیبعه، همانجا؛ انطاکی، ج ۱، ص ۲۲). حنین بن اسحاق (به نقل ابن‌ابی‌اصیبعه، ص ۵۸-۵۹) نام دیوسکوریدس را نزد قومش «آزدش نیادیش» به معنای خارج / دور از ما، آورده‌است، زیرا او همیشه دور از آنها و در کوهها و رویشگاههای گیاهان زندگی می‌کرد. او همچنین دیسقوری و دوس را به یونانی به‌ترتیب به معنای اشجار و الله ذکر کرده‌است. قفطی (همانجا) نیز ذیاسقوریدوس را به معنای شجارالله مرکب از ذیاسقور (به معنای شجار) و یذوس (به معنای الله) و وجه تسمیه وی را این دانسته که

که در مقدمه کتابش (چاپ کرناریوس، ص ۲) درباره زندگی سربازی در خلال مسافرت‌های فراوانش آورده‌است، هیچ مدرک مستندی در این باره وجود ندارد (استنرد، ۱۹۹۹، ص ۵۹). طبابت احتمالی در سپاه و سفر به مناطق گوناگون و دسترسی به کتاب کراتواس^۱ (گیاه‌شناس مشهور قرن اول پیش از میلاد)، سبب شد که دیوسکوریدس یکی از مؤثرترین و ماندگارترین کتابهای داروشناسی را تألیف کند. او گنجینه پزشکی خود را به پیشنهاد دوست پزشکیش، آرئیوس، تدوین و تکمیل کرد (دیوسکوریدس، چاپ اسبالدستون و وود، همانجا؛ یاروسلاو لوی، همانجا؛ مارتین لوی^۲، ص ۲۱). همچنین به نظر می‌رسد او پیرو مکتب ریشه‌چین^۳‌هایی چون دیوکلس کاریستوسی^۴ (قرن چهارم پیش از میلاد) و کراتواس باشد. ریشه‌چینان هم به‌گردآوری و فروش ریشه‌های گیاهان و هم به طبابت می‌پرداختند (کرمس^۵ و اوردانگ^۶، ص ۱۵). شاید دیوسکوریدس نخستین فردی باشد که به مطالعه ریخت‌شناسی^۷ گیاهان پرداخته و داروشناسی را از

1. Crateuas 2. Martin Levey 3. rhizotomoi 4. Diocles of Carystus 5. Kremers
6. Urdang 7. morphology 8. Sarton

همانجا) دیوسکوریدس را به سبب داشتن «نفس زکیه»، تلاش فراوان، سفرهای بسیار برای کسب علم و شناخت داروها، و خدمت به مردم ستوده است. یعقوبی (ج ۱، ص ۱۱۴) او را از شاگردان بقراط* معرفی کرده است، درحالی که این دو همعصر نیستند و احتمالاً وی دیوسکوریدس را با دیوسکوریدس اول اشتباه گرفته است. به نوشته ابن ندیم (همانجا)، وی را سیاح سرزمینهای نامیدند. تلاشهای مجدانه دیوسکوریدس در شناخت داروها چنان فراگیر و مؤثر بوده است که ابوریحان بیرونی (ص ۱۳) دانش او را در شناخت گیاهان و خواص آنها می ستاید و از نبود چنین فردی در میان ملت‌های شرقی، حسرت می خورد. به گفته ابن جلدجل (همانجا)، او به شناسایی انواع داروها و نه درجه قوت آنها از لحاظ طبایع چهارگانه پرداخته است. در سایر منابع دوره اسلامی، مطالب کمابیش مشابهی درباره زندگی او، به ویژه سفرهای فراوانش به مناطق گوناگون برای آشنایی و گردآوری و به کارگیری داروها، و معرفی کتابش وجود دارد (← قفطی، ص ۱۸۳-۱۸۴؛ ابن ابی اصیبعه، ص ۵۹).

۳) اثر. نام کتاب دیوسکوریدس به یونانی *peri huēs iatrikēs* (= *peri ūlēz iatrōhēs*) و در لفظ به معنای اندر هیولای (ماده) طبی بوده و عنوان ترجمه‌های لاتین قدیم آن *De Materia Medica* (به همان معنی «ماده طبی») است. این نام برگرفته از مقاله سوم همین کتاب و هم نام کتاب از دست رفته سکستوس نگر^۹ (مؤلف رومی سده اول پیش از میلاد و صاحب کتابی در داروشناسی با نام *peri ūlēz*، به معنای اندر هیولا (ماده) [ی طبی]) است (زندگینامه علمی دانشوران، همانجا). پژوهشگران بر این باورند که دیوسکوریدس کتابش را در حدود ۶۴ یا ۷۸ میلادی نوشته است (← دیوسکوریدس، چاپ اسبaldستون و وود؛ پارکر، همانجاها).

در منابع دوره اسلامی، عنوان این کتاب غالباً نادرست انتقال یافته است. حکما و مؤلفان اسلامی برای کتاب دیوسکوریدس نامهایی برگزیده‌اند که این نامها یا به نام مؤلف اشاره دارد (← ابن ابی اصیبعه، ص ۵۹، ۴۹۳: کتاب دیاسقوریدس / دیسقوریدس العین زری؛ ابن بیطار، ۱۲۹۱، ج ۱، ص ۲: کتاب الافضل دیسقوریدوس)، یا براساس محتوای کتاب که بیشتر شامل گیاهان است، کتاب الحشائش، المقالات فی الحشائش و کتاب الأشجار والعقاقیر (← یعقوبی؛ ابن ندیم؛ انطاکی، همانجاها)، یا براساس تعداد مقالات کتاب، کتاب الخمس مقالات نامیده شده است (← ابن جلدجل؛ ابن بیطار، همانجاها). همچنین نامهایی مانند خواص الأشجار،

به کمک الهام خداوند به [شناخت] درختان و گیاهان می پرداخته است. نام دیوسکوریدس مرکب از دو واژه یونانی *Λίσκοιροι*، که برای نامیدن فرزندان دوقلوی زئوس^۱ (خدای خدایان در یونان) و لدا^۲ به کار می رفته، و *ιδης* به معنای پسر است (← ابن جلدجل، ص ۲۳، پانویس ۱۱؛ لیدل^۳ و اسکات^۴، ص ۴۳۵).

در تاریخ علم، دو دیوسکوریدس دیگر نیز وجود دارد که این سه تن گاه باهم خلط شده‌اند: دیوسکوریدس فاکاس^۵، پزشک مخصوص بطلمیوس دوازدهم و دخترش کلئوپاترا^۶ (ملکه مشهور مصر، قرن اول پیش از میلاد)، که در دوره اسلامی، به دیوسکوریدس اول معروف بود؛ و دیوسکوریدس کحال که پس از جالینوس* می زیست و همعصر پزشکان اسکندریه بود. وی نخستین کسی است که با تفکیک چشم پزشکی از پزشکی، به صورت تخصصی به آن پرداخت و کتابی در تشریح چشم و دو کتاب در چشم پزشکی تألیف کرد (← ابن ابی اصیبعه، ص ۵۸؛ فیلسوف الدوله، ص ۴۶۵-۴۶۶؛ قس سزگین^۷، ج ۳، ص ۵۸، که به اشتباه دیوسکوریدس عین زری را دیوسکوریدس اول معرفی کرده است). در برخی منابع دوره اسلامی، از دیوسکوریدس اول به عنوان مفسر کتابهای بقراط یاد شده است (← ابن ابی اصیبعه، همانجا؛ فیلسوف الدوله، ص ۴۶۵). قفطی (همانجا) و ابن جلدجل (ص ۲۱) به اشتباه دیوسکوریدس عین زری را مفسر کتابهای بقراط دانسته‌اند. یاروسلاو لوی (همانجا) دیوسکوریدس دیگری با نام دیوسکوریدس اصغر^۸ را، که در قرن اول و دوم میلادی می زیست و شاید همان دیوسکوریدس کحال باشد، مفسر کتابهای بقراط می داند.

۲) دیوسکوریدس در آثار حکمای دوره اسلامی. تقریباً تا نیمه اول سده سوم، پزشکان اسلامی از دیوسکوریدس و کتاب معروفش اطلاعی نداشتند، چنان که جابر بن حیان (سده دوم)، جاحظ (متوفی ۲۵۵ یا ۲۵۶)، ابویوسف یعقوب کندی (سده سوم) و ابوحنیفه دینوری (متوفی ۲۸۲) در آثارشان از او نامی نبرده‌اند. به احتمال قریب به یقین، پیش از اسلام، کتاب دیوسکوریدس در ایران، عراق و شام ناشناخته بوده یا دست کم متداول نبوده و در نیمه دوم سده سوم، کتاب او در محافل دانشمندان دوره اسلامی مطرح شده است (سزگین، همانجا؛ نیز ← ادامه مقاله).

ظاهراً یحیی نحوی* اسکندرانی (طیب و فیلسوف و نحوی؛ متوفی ۶۴۰ میلادی) نخستین کسی است که در سرزمینهای شرقی اسلام از دیوسکوریدس یاد کرده است. او (به نقل ابن ندیم،

1. Zeus

2. Leda

3. Liddell

4. Scott

5. Dioscorides Phacas

6. Cleopatra

7. Sezgin

8. the Younger Dioscorides

9. Sextius Niger

۸۸۳، ۸۸۳، ج ۳، بخش ۲، ص ۱۶۰۳، ۱۶۸۵؛ استنرد، ۱۹۸۴، ص ۲۰۶).

پس از ترجمه این کتاب به عربی (به ادامه مقاله)، در جهان اسلام نیز از قرن سوم به بعد، کتابها و رساله‌های داروسازی و داروشناسی بر پایه آن تألیف شد، به طوری که حکمای اسلامی تقریباً از هیچ کتابی در زمینه علم داروها و به ویژه گیاهان به اندازه الحشائش استفاده نکرده‌اند (احمد عیسی، ص ۳۸؛ نیز به ادامه مقاله).

۴) **محتوای کتاب.** دیوسکوریدس در مقدمه کتاب (چاپ دوبلر و ترس، ص ۷)، به شیوه بسیاری از مؤلفان قدیم، آن را به دوست و مشوق خود، آرئیوس طروسوس (در متن ترجمه‌های دوره اسلامی: اریوس / آریه؛ به دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، همان مقدمه، ص ۲)، تقدیم کرده‌است. او انگیزه خود را از تألیف این کتاب کاستیها و معایب تألیفهای پیشینیان و معاصران خود دانسته و در ادامه نام چهارتن از پیشینیان و پنج نفر از متأخران و معاصران پیرو اسکلیپادس بیتینیایی^۴ (طیب بزرگ یونانی در روم، متوفی ۴۰ ق م) را آورده و به نقایص کار هر یک، به ویژه قائل نبودن به ضرورت تجربه و مشاهده شخصی و اکتفا به شنیده‌ها و تکرار خواننده‌های خود، اشاره کرده‌است (به چاپ دوبلر و ترس، ص ۸-۷؛ برای اسکلیپادس و پیروانش به ناتان، ص ۱۹۰). دیوسکوریدس تجربه‌گرا برخلاف آرئیوس، که او نیز از پیروان اسکلیپادس بود، پیرو هیچ مکتب فلسفی خاصی نبود و خود به بررسی تجربی گیاهان در رویشگاه آنها، مشاهده دقیق گیاهان در چهار فصل سال، توجه به همه اجزای گیاهان، تهیه داروها، و سنجش ارزش دارویی مواد می‌پرداخت و در مواردی که مشاهده تأثیر داروها ممکن نبود از اطلاعات افراد بومی و مطلع بهره می‌برد (به دیوسکوریدس، چاپ دوبلر و ترس، ص ۸-۹؛ زندگینامه علمی دانشوران، همانجا؛ اسکاریرا^۵، ص ۲۱۵). تعدد نامهای داروها به زبانهای کشورهای گوناگون در الحشائش نشانه استعمال دیوسکوریدس از افرادی از قومیتهای گوناگون است (برای نمونه به چاپ دوبلر و ترس، ص ۲۴، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۹۰، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۹، ۳۵۹؛ نیز به همان، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان؛ زندگینامه علمی دانشوران، همانجا). در ادامه مقدمه، او به وضع اقلیمی رشد گیاهان و شرایط گردآوری (مانند زمان مناسب چیدن گیاه)، نگهداری و آماده‌سازی مواد اولیه تهیه داروها، به ویژه گیاهان دارویی، پرداخته‌است (به چاپ دوبلر و ترس، ص ۹-۱۱).

خواص الشجر و الحيوان، پنج مقاله، مفردات، الحشائش و الأدوية، الحشائش و النباتات، کتاب الأدوية المفردة و هیولی علاج الطب به این کتاب اطلاق شده که بیشتر آنها مبتنی است بر سلیقه شخصی، موضوع و مندرجات کتاب یا اسمی که پیشینیان روی ترجمه عربی آن گذاشته‌اند. در نسخه هفت مقاله‌ای ترجمه مهران بن منصور، موجود در آستان قدس رضوی (ش ۵۰۷۹)، در پایان هر مقاله به جز مقاله پنجم، یکی از این نامها درج گردیده است: کتاب دیسکوریدس / دیسکوریدس، کتاب الحشائش، کتاب دیسکوریدس فی هیولی الطب، و کتاب الحشائش فی هیولی الطب. در این کتاب تعداد گیاهان دارویی بیش از سایر داروهاست، شاید به همین سبب نام الحشائش برای آن انتخاب شده و مقبولیت یافته‌است (بینش، ص ۳۳-۳۴؛ نیز به ادامه مقاله).

دیوسکوریدس نخستین حکیمی بود که به اهمیت لزوم استفاده از هر سه گروه مواد (گیاهی، جانوری و کانی) پی برد، از خرافه‌گویی پرهیز و بر تجارب خود و دیگران تکیه کرد. به علاوه، کتاب وی مبسوط‌ترین راهنمای داروشناسی و داروسازی روزگارش بود (به زندگینامه علمی دانشوران، همانجا؛ دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، همان مقدمه، ص ۴). به همین دلیل او بر پزشکی، از جمله پزشکی دوره اسلامی بسیار تأثیر گذاشت (به ادامه مقاله). اعتبار و اهمیت کتاب دیوسکوریدس چنان است که از چهارده کتابی که جالینوس درباره ادویه مفرده خوانده، کتاب دیوسکوریدس را کامل‌تر از همه دانسته‌است (به ابن جلجل، همانجا؛ ابن ابی اصیبعه، ص ۵۹). به نظر برخی، پلینی، بدون ذکر مأخذ، مطالبی را از دیوسکوریدس در «تاریخ طبیعی»^۱ آورده، اما به احتمال زیاد، پلینی مستقیماً با اثر دیوسکوریدس آشنایی نداشته و علت مشابهت این دو اثر استفاده هر دو مؤلف از منابع مشترک، مانند کتاب نیگر، است (زندگینامه علمی دانشوران، همانجا؛ استنرد، ۱۹۹۹، همانجا؛ نیز به دیوسکوریدس، چاپ دوبلر و ترس، ص ۸؛ پلینی، ج ۶، کتاب ۲۰، ص ۷۵، ۱۳۱). این کتاب دست‌مایه تألیفات بسیاری در اروپا، پیش از دوره نوزایی (رنسانس)، شد، از جمله جواهرنامه‌ای در پزشکی، نوشته مارید^۲ (اسقف رنه^۳؛ متوفی ۱۱۲۳ / ۵۱۷؛ به سارتون، ج ۱، ص ۷۶۴-۷۶۵) و تألیفاتی در حوزه‌های دایره‌المعارف‌نگاری، پزشکی، و حتی سفرنامه‌نویسی مؤلفان اروپایی سده‌های هفتم تا نهم / سیزدهم تا پانزدهم (به همان، ج ۲، بخش ۲، ص ۹۲۹، ۱۰۸۵، ج ۳، بخش ۱، ص ۶۰۷-۶۰۸، ۸۱۶، ۸۴۶، ۸۵۶).

1. Natural history

2. Marbode/ Marbodus Redonensis

3. Rennes

4. Asclepiades of Bithynia

5. Scarborough

سَمی و مخدر. گل سنگ نیز در این بخش آمده است (ص ۳۲۸).
مقاله پنجم درباره تاکها، انگورها، باده‌ها، سرکه‌ها، شربت‌ها و نوشیدنی‌ها، مانند سکنجبین (ص ۳۷۳-۳۹۹)، و مواد معدنی دارویی مانند فلزات، کانیاها، سنگها، گِلها و حتی فسلیها (ص ۳۹۹-۴۴۲) است (نیز یاروسلاو لوی، ص ۵۸۹؛ مارتین لوی، ص ۲۱-۲۴).

تقریباً شش صد دارو با منشأ گیاهی در این کتاب آمده است. دیوسکوریدس، ذیل نام بیشتر گیاهان، اطلاعاتی داده است، همچون نامهای مترادف، انواع، توضیح مختصری از محیط و ویژگیهای ریختی (از جمله رویشگاه و وصف برگها، ریشه‌ها، گلها و دانه‌ها)، موقعیت جغرافیایی مکانهایی با بهترین و کاربردی‌ترین نوع آن گیاه، اجزای کاربردی، و ویژگیهای دارویی، روش آماده‌سازی، مقدار مورد استفاده، کاربردهای دارویی، و عوارض استفاده از آن. او گاهی مواد مغشوش و نقلی یک ماده دارویی، به‌ویژه برای گیاهان غیربومی، و روش تشخیص مغشوش بودن آن را نیز شرح داده است (برای نمونه ← چاپ دوپلر و ترس، ص ۱۱-۱۴، ۱۹).

دیوسکوریدس (چاپ دوپلر و ترس، ص ۱۲۷-۱۷۲) حدود هفتاد جانور و فرآورده‌های دارویی با منشأ جانوری را نیز ذکر کرده است (نیز ← چاپ اسبالدستون و وود، همان مقدمه، ص XXII). او جانوران و داروهای جانوری را، که به نظر او شناخت آنها از گیاهان آسان‌تر است، متفاوت با گیاهان و به‌صورت کلی و بدون شرح جزئیات وصف کرده است. اثر دیوسکوریدس از لحاظ تاریخ شیمی باستان نیز درخور توجه است. او حدود نود داروی وابسته به مواد معدنی و حتی برخی واکنشهای شیمیایی ساده را توضیح داده است، برای نمونه به‌دست آوردن جیوه از معدن و قلیا از تارتار، قدیم‌ترین واکنش «تجزیه تر»، تشخیص زاج آهن به‌وسیله شیره مازو، و تهیه برخی ترکیبات مانند استات مس از سرکه و مس (← چاپ دوپلر و ترس، ص ۴۰۳-۴۰۴، ۴۱۷؛ نیز ← سارتون، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹). کتاب دیوسکوریدس در زمره مهم‌ترین منابع سنگ‌شناسی قدیم است (ریدل^{۱۳}، ۱۹۷۰، ص ۳۹، ۴۲).

دیوسکوریدس (چاپ دوپلر و ترس، ص ۸) از غفلت پیشینیان خود در رده‌بندی مواد انتقاد کرده، اما خود وی برخی از داروهای را که تجانسی با هم ندارند، ذیل یک مقاله یا بخش آورده است (نیز ← ادامه مقاله). برای مثال، آقظی درختچه‌ای (با نام علمی *Sambucus nigra*) را از خاما آقظی علفی (با نام علمی

دیوسکوریدس اثرش را به پنج مقاله تقسیم کرده است. در ویراسته دوپلر و ترس، داروهای مقاله نخست عبارت‌اند از: الف) گیاهان دارویی معطر (= افایویه: بوی‌افزارها و دیگ‌افزارها، ۲۴ عدد؛ ص ۱۱-۳۴)؛ ب) روغنهای خوراکی (زیتها) و مالیدنی و حتی چرک بدن انسان (۳۵ عدد؛ ص ۳۵-۶۰)؛ ج) صمغها، شیره‌ها، و برخی فرآورده‌های شیمیایی مانند زفت (قیر) و نطف (۱۸ عدد؛ ص ۶۰-۷۸)؛ د) درختان، بوته‌ها (۳۶ عدد؛ ص ۷۸-۱۰۳) و پوست و ریشه برخی از آنها (ص ۸۳-۸۵، ۹۸)؛ ه) میوه‌ها، عمدتاً میوه‌های گوشتی که ممکن است معطر هم نباشند (مانند خرما، سیب، به و انجیر)، برخی داروهای حاصل از میوه‌ها مانند خاکستر انجیر، دانه‌های خوراکی (مانند بادام، گردو، و پسته) و گال بلوط (۳۵ عدد؛ ص ۱۰۳-۱۲۴).

مقاله دوم این موارد را شامل می‌شود: جانوران (نرم‌تنان، سخت‌پوستان، بندپایان، ماهیها، خزندگان، پستانداران؛ ص ۱۲۷-۱۴۹)، فرآورده‌های جانوری خوراکی و دارویی مانند شیر و سایر فرآورده‌های لبنی برخی پستانداران (ص ۱۴۹-۱۵۳)؛ پشم و داروهای مرتبط با آن (ص ۱۵۳-۱۵۶)؛ پنیرمایه جانوران (ص ۱۵۶-۱۵۷)؛ بافتها، اندامها، و داروهای با منشأ جانوری (مانند پیه، مغز و بول؛ ص ۱۵۷-۱۷۰)؛ عسل، شکر، موم، و سریشم زنبور (ص ۱۷۱-۱۷۴)؛ غلات و ترکیبات و فرآورده‌های دارویی و خوراکی حاصل از آنها (از جمله خمیر و ماء‌الشعیر)؛ نشاسته و نیز گیاه کنجد (ص ۱۷۴-۱۸۱)؛ گیاهانی دیگر عمدتاً از گروه‌های بقولات^۱ (ص ۱۸۱-۱۸۸)، شب‌بوین^۲ (ص ۱۸۸-۱۹۲)، پنیکیان^۳، تاج‌خروسیان^۴، چغندریان^۵، علف هفت‌بند^۶، نعنائیان^۷، مرکبان^۸، کدویان^۹، قارچ‌کما^{۱۰}، علفهای دارویی خوراکی و دارویی بیشتر تندمزه (= حرّیف؛ مانند پیاز، سیر، خردل، فلفل و زنجبیل؛ ص ۱۹۲-۲۳۶).

مقاله سوم درباره ریشه‌ها (مانند ریواس و جنطیانا؛ ص ۲۳۷-۲۴۷)، گیاهانی که از آنها عصاره‌های دارویی گرفته می‌شود (مانند صبر و آفستین؛ ص ۲۴۸-۲۵۱) و گیاهان علفی (به‌ویژه گونه‌های زیادی از خانواده نعنائیان، چتریان^{۱۱} و مرکبان؛ ص ۲۵۱-۳۰۸) است. قارچ دکمه‌ای^{۱۲} در این بخش و جزء ریشه‌ها آمده (ص ۲۳۷) و چند نوع صمغ و عصاره گیاهی (ص ۲۷۸-۲۸۱) و فرآورده دارویی جانوری (ص ۲۸۱) نیز به‌صورت پراکنده در این بخش آمده است.

مقاله چهارم دربردارنده گیاهانی است که دیوسکوریدس در مقاله‌های پیشین به آنها نپرداخته است، به‌ویژه ریشه‌ها و گیاهان

1. Leguminosae
2. Cruciferae
3. Malvaceae
4. Amaranthaceae
5. Chenopodiaceae
6. Polygonaceae
7. Lamiaceae
8. Compositae
9. Cucurbitaceae
10. truffle
11. Umbelliferae
12. Agaricus
13. Riddle

نداشته است (قس دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، مقدمه محمد مهدی اصفهانی، ص ۲۶، که برخی معادلهای عربی نام داروها را، که مترجمان عربی نویس برای واژگان یونانی آورده‌اند، به اشتباه به دیوسکوریدس و آشنایی او با میراث علمی ایران نسبت داده‌است).

در چاپهای گوناگون، تعداد داروهای کتاب دیوسکوریدس مختلف است. برای نمونه، داروهای مقاله اول در ویراسته دوپلر و ترس، ۱۴۷ اما در ویراسته گونتر، ۱۸۸ عدد است. علت این امر سلیقه متفاوت ویراستاران و مصححان است؛ مثلاً گاه در ویراسته دوپلر و ترس (ص ۶۲-۶۰)، دارویی که در دو منطقه وجود دارد ذیل یک شماره آمده‌است، همچون صمغ مُر شبه جزیره عربستان و ناحیه بیوطقا (بنوسی، در یونان) که هر دو ذیل شماره شصت آمده‌اند، اما در چاپ گونتر (ص ۴۲-۴۳) ذیل دو شماره متفاوت ذکر شده‌اند. همچنین در ویراسته نخست (ص ۶۷-۶۸)، ذیل شماره ۶۶، در ادامه دخان الکندر، دو دخان دیگر ذکر شده که شیوه آماده‌سازی آنها شبیه دخان کندر است، اما در ویراسته دوم (ص ۴۷)، اولی ذیل شماره ۸۴ و دوتای بعدی ذیل شماره بعدی آمده‌است. نیز در ویراسته نخست، گاه یک گیاه و فرآورده آن ذیل یک شماره آمده‌است؛ مثلاً درخت مصطکی و صمغ آن هر دو ذیل شماره هفتاد (ص ۷۰-۷۱)، اما در ویراسته دوم (ص ۴۸-۴۹) ذیل شماره‌های جداگانه‌ای آمده‌اند.

در پایان برخی نسخه‌های الحشائش، دو مقاله آمده که یکی درباره زهرها و پادزهرها و دیگری درباره گزش سگها و مارها، نیش عقرب و دیگر حشرات موذی، و درمان عوارض گزش آنهاست و به نظر می‌رسد افراد دیگری چون حنین بن اسحاق* یا حَبِیب بن حسن اَعَسَم دمشقی* ظاهراً برای تکمیل کتاب اصلی تألیف کرده باشند (دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، گ ۳۹۷-۴۵۷؛ ابن ندیم، ص ۳۵۱؛ ابن ابی اصیبعه، ص ۵۹؛ نیز - اولیری ۲، ص ۱۶۹)؛ هر چند ابن جلجل (ص ۲۱) این دو مقاله را از دیوسکوریدس دانسته‌است. در یکی از نسخ قرن هفتم / سیزدهم، بازنویسان نسخه، متنی از دامیگرون^۳ (مؤلف کتابی درباره سنگها، قرن دوم ق م) را به کتاب اصلی افزوده‌اند. رسالاتی دیگر نیز به اشتباه به دیوسکوریدس منسوب است (زندگینامه علمی دانشوران، همانجا). کتاب <گیاهان زندگی بخش>^۴ نیز به دیوسکوریدس منسوب است که از آثار پلینی، دیوسکوریدس، و آپولیوس دروغین^۵ (نیمه اول سده پنجم) اقتباس شده‌است (سارتون، ج ۱، ص ۴۱۶؛ <پزشکی کهن>^۶،

S. ebulus) جدانکرده و آنها را پشت سر هم آورده‌است (چاپ دوپلر و ترس، ص ۵۶۶-۵۶۷؛ همان، چاپ گونتر، ص ۵۷۴-۵۷۶). این درحالی است که پیش از او، ثاوفرسطس^۱ از تقسیم‌بندی مبتنی بر ویژگیهای گیاهان استفاده کرده‌است (همان، چاپ اسپالدستون و وود، همان مقدمه، ص XXII). طبقه‌بندی کیفی دیوسکوریدس (براساس خواص و کاربردهای دارویی) متناسب با حرفه پزشکی او بوده، از جمله اینکه او در مقاله چهارم، گیاهان مخدر و گیاهان زهردار را در یک مقاله آورده‌است. در مواردی که گیاهان خواص تقریباً یکسانی داشته‌اند، در صورت خویشاوندی بین آنها، این گیاهان را کمابیش در کنار هم آورده‌است، مانند جنس نعنا، و خانواده‌های بقولات، چتریان، مرکبان و سیب‌زمینیان. برای نمونه گیاهانی مانند انواع صُنْحُس (جنسهای *Helminthia* و *Sorchus*)، سِرْس / هندبا (*Chicorium*)، و خُنْدِرِیْلِ (*Chondrilla* و *Apargia*)، همگی از خانواده مرکبان، با هم ذکر شده‌اند (چاپ دوپلر و ترس، ص ۲۰۰-۲۰۱)؛ کدو، خیار و خربزه، از تیره کدویان در کنار هم آمده‌اند (همان، ص ۲۰۲)؛ و در مقاله سوم، پانزده گیاه (به‌شمارش و ترتیب‌گذاری گونتر (ص ۲۶۳-۲۸۳)، هجده گیاه)، از خانواده نعنائیان، پشت سر هم آمده‌اند.

کتاب دیوسکوریدس، همچون نوشته‌های دایرةالمعارفی پلینی در کتاب <تاریخ طبیعی>، اطلاعاتی از زندگی مردم در امپراتوری روم، مانند مواد بهداشتی و آرایشی روزانه رومیها را نیز دربردارد (همان، چاپ اسپالدستون و وود، همان مقدمه، ص XXXIII-XXII). همچنین او از نخستین کسانی است که بر مشاهده مستقیم گیاهان در رویشگاه اصلی تأکید می‌کند (همان مقدمه، ص XXII). به نظر می‌رسد که او برای نخستین بار، کاربرد تریاک برای سرفه و تب روده‌ها (نجم‌آبادی، ج ۱، ص ۷۱) و کاربرد دارویی توت و تخم درمنه (یاروسلاو لوی، ص ۵۸۸) را ذکر کرده‌باشد. ویژگیهایی که دیوسکوریدس برای مشخصات ریختی و خواص دارویی برخی مواد آورده‌است در بسیاری موارد، با دانش گیاه‌شناسی و داروشناسی معاصر مطابقت دارد (طباطبایی و کلاتر هرمزی، ص ۲۱۲-۲۱۳). در این کتاب، شمار گیاهان و مواد دارویی که نامشان برگرفته از نام ایران است یا بومی ایران‌اند (چاپ دوپلر و ترس، ص ۱۱۳، ۱۲۴ و ۲۸۰، واژه‌های معرب «برسیقا» = خوخ / هلو، و «برسیا» = ریشه گل ابریشم، هر دو مشتق از واژه پارس، ص ۲۷۸، ذیل «ساغافیتون = سکبینج»)، محدود است که نشان می‌دهد احتمالاً دیوسکوریدس آشنایی چندانی با داروشناسی ایرانی

1. Theophrast

2. O'Leary

3. Damigeron

4. *Ex herbis feminis*

5. Pseudo-Apuleius

6. *Medicina antiqua*

گیاه‌شناس انگلیسی، این کتاب را از یونانی به انگلیسی ترجمه کرد. گوئتر دست‌نوشته گودیر را به نقاشیهای نسخه معروف یولیانا آنیکیا آراست و در ۱۳۱۳/۱۹۳۴ ویرایش و چاپ کرد (به دیوسکوریدس، چاپ گوئتر، مقدمه، ص ۷-۱۰: XI؛ یاروسلاو لوی، ص ۵۸۸-۵۹۰؛ عرفانیان، ۱۳۷۹ ش، همانجا). ترجمه انگلیسی این کتاب را یکبار اسپالدستون و وود در ژوهانسبورگ^{۱۲} در ۲۰۰۰ / ۱۳۷۹ ش. و بار دیگر لیلی^{۱۳} در هیلدهایم^{۱۴} در ۲۰۰۵ / ۱۳۸۴ ش به چاپ رساندند. ماکس ولمان^{۱۵} متن یونانی این کتاب را در ویرایشی انتقادی در فاصله سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۵ / ۱۳۲۴-۱۳۳۳، در برلین^{۱۶} منتشر کرد.

۶) نسخه‌های خطی، ترجمه‌ها و شرح‌های الحشائش در دنیای اسلام.

الف) ترجمه‌ها. ترجمه کتاب دیوسکوریدس به عربی، مهم‌ترین بخش تاریخ داروشناسی دوره اسلامی است. در دوره اسلامی، این کتاب چندین بار ترجمه و تفسیر شده‌است (به صلیبیا^{۱۷}، ص ۳۷۴؛ نیز به ادامه مقاله). حنین بن اسحاق نخستین مترجم کتاب دیوسکوریدس است. او این اثر را برای بُختیشوع بن جبرئیل (متوفی ۲۵۶؛ به بختیشوع*)، پزشک متوکل (خلیفه عباسی)، از یونانی به سریانی ترجمه کرد (ریدل، ۱۹۸۵، ص ۶۳۳؛ صلیبیا، همانجا). طبق آنچه که ابن‌ابی‌اصیبه (ص ۴۹۳-۴۹۴) به نقل از مقدمه کتاب تفسیر أسماء الأدوية المفردة من کتاب دیسکوریدس نوشته ابن‌جلجل، آورده، اصطفتن بن بسیل* نخستین کسی است که در زمان متوکل (حک: ۲۳۲-۲۴۷)، اثر دیوسکوریدس را از یونانی به عربی ترجمه کرد. اصطفتن در صورت یافتن معادل عربی نام مواد، آنها را ذکر و در غیراین صورت معرب واژه‌های یونانی را ثبت می‌کرد. حنین، که ترجمه اصطفتن را نپسندیده بود، نخست آن را اصلاح کرد، سپس خود چهار مقاله نخست کتاب دیوسکوریدس و اصطفتن بقیه آن را ترجمه کرد (به دیوسکوریدس، چاپ دوپلر و ترس، ص ۷؛ سارتون، ج ۱، ص ۶۱۳؛ صلیبیا، همانجا؛ > دایرة المعارف تمدن اسلامی در سده‌های میانه <^{۱۸}، ذیل "Pharmacology"؛ نیز به ادامه مقاله). از تصحیح حنین شش نسخه به‌جا مانده که بیشتر آنها مصور به تصاویر گیاهان و نسخه‌های تاریخ‌دار آنها متعلق به قرنهای هفتم و هشتم است (صلیبیا، ص ۳۷۵؛ عرفانیان، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۱۳۱-۱۱۳۲). سزار دوپلر نسخه موجود در

مقدمه پیترو موری جونز^۱، ص ۸؛ نیز به حائری، ج ۴، ص ۲۴۷).
 ۵) نسخه‌های خطی، ترجمه‌ها، و شرح‌های الحشائش در غرب. قدیم‌ترین نسخه یونانی شناخته‌شده و موجود از کتاب دیوسکوریدس، نسخه مصور و بسیار نفیس یولیانا آنیکیا^۲ (دختر الیبریوس^۳، امپراتور روم شرقی، متوفی ۵۲۷ میلادی) محفوظ در کتابخانه ملی اتریش^۴ در وین^۵ است که در حدود ۵۱۲ میلادی، در قسطنطنیه (پایتخت امپراتوری روم شرقی) نوشته و در جشن عروسی این شاهزاده به او اهدا شده و آراسته به نگاره‌هایی رنگی به قلم نقاشی بیزانسی است. این نسخه ترتیب الفبایی دارد (زندگینامه علمی دانشوران، همانجا؛ پزشکی کهن > همان مقدمه، ص ۱۰-۱۱؛ قس سارتون، ج ۱، ص ۴۱۶، که نسخه مصوری از این کتاب را در کتابخانه ملی سن مارک^۶ و نیز^۷ متعلق به پیش از ۵۱۲ میلادی می‌داند؛ صادق^۸، ۱۹۸۳، ص ۶۱-۶۲، که آن را متعلق به قرن پنجم / یازدهم میلادی می‌داند؛ برای دیگر نسخه‌های یونانی به عرفانیان، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۱۲۸). شاید این نسخه اولین نسخه‌ای باشد که بی‌نظمی نسبی حاکم بر تألیف متن اصلی کتاب الحشائش در آن برطرف شده‌است. در دوره امپراتوری روم شرقی، ترجمه‌ها، تفسیرها و شرح‌های گوناگونی از کتاب دیوسکوریدس صورت گرفته‌است (به زندگینامه علمی دانشوران، همانجا؛ ریدل، ۱۹۸۴، ص ۹۵-۱۰۲؛ زیگریست^۹، ص ۱۲۴-۱۲۵). در ۱۴۷۸ / ۸۸۳، نخستین بار متن لاتین کتاب دیوسکوریدس و سپس در ۱۴۹۹ / ۹۰۴، ۱۵۱۸ / ۹۲۴ و ۱۵۲۹ / ۹۳۵ متن یونانی آن به چاپ رسید. در سالهای ۱۴۷۸-۱۸۰۰ / ۸۸۳-۱۲۱۵، حدود صد ویرایش مختلف از الحشائش (با عناوینی مانند عنوان لاتین *De Materia Medica* و معادل آنها در دیگر زبانها) در اروپا چاپ شد که حدود هشتاد درصد آنها در قرن شانزدهم / دهم انجام گرفت. از پیترو آندرنو ماتیولی^{۱۰} (پزشک و طبیعی‌دان مشهور ایتالیایی در قرن شانزدهم)، به‌عنوان برجسته‌ترین ویراستار، مترجم و مفسر کتاب دیوسکوریدس یاد شده‌است. ترجمه‌ها و ویرایشهای او از کتاب دیوسکوریدس به زبانهای ایتالیایی و لاتین و نیز تلاشهای پایه و اساس انتشار کتابهای گیاه‌شناسی جدید شد (به زندگینامه علمی دانشوران، همانجا؛ استنرد، ۱۹۹۹ الف، ص ۱-۲۱؛ همو، ۱۹۹۹، ص ۵-۱؛ همو، ۱۹۹۹، ص ۵۹). در سالهای ۱۶۵۲-۱۶۵۴ / ۱۰۶۲-۱۰۶۴، جان گودیر^{۱۱}،

1. Peter Murray Jones

2. Juliana Anicia/ Anicia Juliana

3. Olybrius

4. Österreichische Nationalbibliothek

5. Vienna

6. Biblioteca Nazionale Marciana

7. Venice

8. Sadek

9. Sigerist

10. Pietro Andrea Mattioli

11. John Goodyer

12. Johannesburg

13. Lily Y. Beck

14. Hildesheim

15. Max Wellmann

16. Berolini

17. Saliba

18. *Medieval Islamic civilization: an encyclopedia*

جدید اصلاح و به سپهسالار خراسان، امیرابوعلی سیمجوری، اهدا کرد (سارتون، ج ۱، ص ۶۷۸؛ صلیبا، ص ۳۷۵؛ در مورد ناتلی ← صادق، ۱۹۷۹، ص ۳۴۵-۳۵۰). ناتلی خود این نسخه را کتابت و تصویرسازی کرده است (← دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه لیدن^۴، گ ۱ پ). نسخه ناتلی ۱۸۰ مدخل بیشتر از اصل یونانی دارد که افزوده‌های خود اوست (صلیبا، همانجا). از متن اصلاحی ناتلی، چهار نسخه شناخته شده است (← سرزگین، ج ۳، ص ۳۱۵؛ صلیبا، همانجا؛ نیر واسطی، ص ۹۵؛ برای ارزیابی کار ناتلی ← دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، همان مقدمه، ص ۱۱-۹). به گواه صادق (۱۹۷۹، ص ۳۴۵؛ ۱۹۸۳، ص ۱۵) نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه لیدن، کامل‌ترین و قدیم‌ترین نسخه تاریخ‌دار موجود از متن عربی الحشائش است.

دو ترجمه دیگر از قرن ششم وجود دارد که از متن سریانی حنین ترجمه شده‌اند. بنابر مقدمه مهراں در ابتدای نسخه موزة کاخ گلستان (← گ ۲۰ پ ۲۲ ر)، نخست ابوسالم مَلَطی (قرن ششم) متن سریانی حنین را برای فخرالدین قرارسلان (از امیران آرتقی و حاکم حَضْنِ کِیفا) به عربی ترجمه کرد. از این ترجمه، دو نسخه در استانبول و پاریس وجود دارد. این ترجمه به دست نجم‌الدین آلپی (حک: ۵۴۷-۵۷۲)، از دیگر امرای ارتقی در ناحیه دیاریکر، رسید اما او نپسندید و مهراں بن منصور (دانشمند ایرانی و مترجم السماء و العالم ارسطو) را به این کار گماشت. چهار نسخه از این ترجمه موجود است (← دی ۵، ص ۲۷۴-۲۸۰؛ صلیبا، همانجا؛ بینش، ص ۲۸-۴۳؛ دانش پژوه، ص ۱۶۰-۱۶۳؛ عرفانیان، ۱۳۸۰، ج ۱۹، ص ۶۴۲-۶۵۳؛ مایل هروی، ص ۴۵۷؛ برای ارزیابی کار مهراں ← دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، همان مقدمه، ص ۱۲-۱۵). محمدباقر الحافظ (خوشنویس عربی‌دان) نسخه نفیس موجود در کتابخانه کاخ گلستان را به امر ابوالفتح منوچهرخان بیگلربیگی، یکی از امیران شاه‌عباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸)، از روی نسخه موجود در آستان قدس رضوی کتابت کرده و فردی ناشناس در ۱۰۳۸ آن را تصویرگری کرده است (← دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، ترقیمه نسخه؛ نیز ← طباطبایی و کلاتر هرمزی، ص ۲۰۷-۲۰۸). از ویژگیهای بارز این نسخه، داشتن جدولهای فهرست انواع داروهاست (← گ ۵ پ - ۱۸ پ) که مهراں همچون سریانیها و حنین (که از آنها الگو گرفته بود) از آنها استفاده کرده است (← گ ۵ پ). نسخه موجود در کتابخانه کاخ گلستان به صورت

کتابخانه مادرید را در مجموعه‌ای شش جلدی^۱ در بارسلون در سالهای ۱۹۵۳-۱۳۳۲/۱۹۵۹-۱۳۳۸ ش چاپ کرده است که در آن متنهای عربی، یونانی و نسخه اسپانیایی کاستیلی با هم مقایسه شده‌اند. جلد دوم آن با عنوان *المقالات السبع من کتاب دیاسکوریدوس و هو هیولی الطب فی الحشائش و السموم*، متن عربی این کتاب است. دوبلر با همکاری الیاس ترس این متن را، بدون تصویر، جداگانه در ۱۳۳۱/۱۹۵۲ ش در *تَطَاوین (تطوان)* مراکش چاپ کرده است (← عرفانیان، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۱۳۲؛ دانش پژوه، ص ۱۶۰، پانویس ۱؛ ورنه^۲، ص ۲۹۱-۲۹۲).

ترجمه اصطفن با اصلاح حنین در زمان عبدالرحمان سوم، نخستین خلیفه اموی اندلس (حک: ۳۰۰-۳۵۰)، از بغداد به قرطبه رسید. در همان روزگار، امپراتور روم شرقی هدایایی برای عبدالرحمان فرستاد که نسخه نفیس مصوری از متن یونانی کتاب دیوسکوریدس در میان آنها بود. در قرطبه کسی یونانی نمی‌دانست، لذا به درخواست عبدالرحمان، راهبی یونانی به نام نقولا، که لاتین می‌دانست، برای کمک به پزشکان قرطبه برای ترجمه این کتاب به آنجا فرستاده شد. آنها صورت معرب نامهای یونانی عقاقیر این کتاب را تصحیح کردند. از جمله پزشکان شایق این گروه، حسدای بن شپروط^۳ (پزشک یهودی اندلسی، وزیر عبدالرحمان سوم) بود که چند زبان می‌دانست (← ابن عذاری، ج ۲، ص ۲۱۵؛ مَقْرَى، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷؛ نیز ← سارتون، ج ۱، ص ۶۸۰؛ اولیری، ص ۱۷۱؛ دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، مقدمه اعلم، ص ۸-۷). با اینکه ظاهراً ابن جلجل (به نقل ابن ابی‌اصبیعه، ص ۴۹۴) توضیحاتی از نقولا ذکر کرده، امروزه به جز نقل قولهایی از نقولا در کتابی از مؤلفی ناشناس از اواخر سده ششم با عنوان شرح لکتاب *دیاسکوریدوس فی هیولی الطب* (ج ۱، ص ۹۸، ش ۸۵-۸۶، ص ۱۳۱، ش ۴۰، ص ۱۷۴، ش ۱۷۶)، چیز دیگری از نتیجه کار این مترجمان به جا نمانده است. به همین دلیل و باتوجه به اینکه ابن جلجل به ترجمه و تعریب این کتاب تصریح نکرده، گاهی اعتقاد بر این است که این گروه کتاب را به عربی ترجمه نکردند و صرفاً هویت عقاقیر ناشناخته و صورت معرب نامهای یونانی آنها در ترجمه اصطفن را تعیین کردند (← عرفانیان، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۱۳۰؛ دیوسکوریدس، نسخه خطی کتابخانه کاخ گلستان، همان مقدمه، ص ۷).

ابوعبدالله حسین بن ابراهیم ناتلی* (دانشمند و ریاضی‌دان قرن چهارم)، در ۳۸۰، ترجمه حنین و اصطفن را با تصاویری

1. La 'Materia medica' de Dioscórides, transmisión medieval y renacentista

2. Vernet

3. Hasday Ibn Shaprut

4. Bibliotheek der Universiteit Leiden

5. Day

برخی از حکمای دوره اسلامی کتابهایی دربارهٔ شرح داروها و مجهولات این کتاب تألیف کرده‌اند، از جمله ابن‌جلجل* (قرن چهارم)، ابن‌رومیه* (متوفی ۶۳۷) و ابن‌بیطار* (متوفی ۶۴۶ که همگی اهل اندلس‌اند). ابن‌جلجل پزشک و داروشناس قرطبی و مؤلف کتاب تفسیر أسماء الادویة المفردة من کتاب دیسکوریدس است. این کتاب دربارهٔ تعیین و تشخیص ماهیت داروهای کتاب دیوسکوریدس است و فقط مقالهٔ چهارم و بخشهایی از مقاله‌های سوم و پنجم آن (در نسخهٔ کتابخانهٔ مادرید) به‌جا مانده‌است (← ابن‌جلجل، مقدمهٔ فؤاد سید، ص ۷؛ ابن‌میمون^۶، مقدمهٔ ماکس مایرهورف^۷، ص VII-VIII؛ ابن‌بیطار، ۱۹۸۹، مقدمهٔ ابراهیم‌بن‌مراد، ص ۵۱). به‌نظر می‌رسد آنچه بروکلیمان^۸ (> ذیل <، ج ۱، ص ۴۲۲) نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانهٔ بانکی پور^۹ دانسته‌است، نسخهٔ دیگری از کتاب الحشائش باشد (← ابن‌جلجل، همان مقدمه، ص ۷-۸ یط). پس از این کتاب، ابن‌جلجل مقاله‌ای دربارهٔ مفرداتی که دیوسکوریدس در کتابش نیاورده با عنوان مقالهٔ نذکر فیها ماقصر دیوسکوریدس عن ذکره فی کتابه فی هیولی الطب (به‌تصحیح و ترجمهٔ آلبرت دیتریش^{۱۰}، گوتینگن^{۱۱} ۱۳۷۲ ش / ۱۹۹۳) نوشته‌است (← سارتون، ج ۱، ص ۶۸۲؛ ابن‌جلجل، همان مقدمه، ص ۷). ابن‌رومیه، گیاه‌شناس و داروشناس، نیز کتاب شرح ادویة دیاسکوریدوس و جالینوس و التنبیه علی اوهام مترجمیها را نوشته که نسخه‌ای از آن با عنوان کتاب فی الادویة النباتیة در کتابخانهٔ نورعثمانیة استانبول موجود است (ابن‌بیطار، ۱۹۸۹، همان مقدمه، ص ۵۲، پانویس ۳۳؛ ششن و همکاران، ص ۳۹۸). در این میان، مشهورترین و جدیدترین تفسیر از اثر دیوسکوریدس از ابن‌بیطار (گیاه‌شناس و داروشناس نامدار اندلسی در قرن هفتم) است. به نوشتهٔ او در مقدمهٔ کتاب تفسیر کتاب دیاسکوریدوس فی الادویة المفردة (ص ۱۰۹)، هدفش از تألیف این کتاب شناساندن ماهیت داروها و آسان‌سازی فهم مطالب کتاب دیوسکوریدس است. مراکشی (سفر ۵، قسم ۱، ص ۲۳۹) از شارح اندلسی دیگری با نام ابوالحسن علی‌بن عبدالله اشبیلی، معروف به غلام‌الحره، نام برده و کتاب شرح فی کتاب دیاسکوریدوس را به وی نسبت داده‌است. همچنین در کتاب شرح لکتاب دیاسکوریدوس فی هیولی الطب از مؤلفی ناشناس در اواخر سدهٔ ششم، ماهیت نامهای یونانی ۶۱۰ داروی مذکور در چهار مقالهٔ نخست کتاب دیوسکوریدس شرح داده شده‌است. ظاهراً

نسخهٔ عکسی در ۱۳۸۳ ش در تهران منتشر شد. سیدمحمود طباطبایی، ترجمهٔ عربی مهران را به فارسی ترجمه و در ۱۳۹۱ ش در تهران منتشر کرد.

در کتابخانهٔ ملی فرانسه^۱ در پاریس، نسخهٔ عربی مصور، نفیس و بدون تاریخی از الحشائش وجود دارد که برطبق سطور آخر مقالهٔ اول، آن را به‌نام بن موسی بن یوسف المسیحی المتطبیب، معروف به ابن‌البواب، به عربی ترجمه کرده‌است که از زندگی او اطلاعی در دست نیست. واژه‌های یونانی غیرمغرب یا بدون معادل این نسخه، بسیار کمتر از نسخهٔ اصطفن است (← قزوینی، ج ۴، ص ۲۶۴). ابن‌عبری ملطی (متوفی ۶۸۵)، مورخ، پزشک و مترجم متون عربی به سریانی، نیز منتخبی از کتاب دیوسکوریدس را نوشته و تصویرگری کرده‌است (سارتون، ج ۲، بخش ۲، ص ۹۷۵-۹۷۶).

مطابق انجامة نسخهٔ خطی الحشائش، اصلاح ناتلی (موجود در کتابخانهٔ دانشگاه لیدن)، شخصی به‌نام محمدبن علی الزمی، در ۵۱۰، براساس ترجمهٔ مشترک اصطفن و حنین و نیز نسخهٔ اصلاحی ناتلی، الحشائش را از عربی به فارسی ترجمه کرده‌است. از این ترجمه نشانی در دست نیست. همچنین چون برخی حکمرانان ایران به حمایت از ترجمه یا تألیف برخی آثار به زبان فارسی گرایش داشتند، برخی این کتاب را به فارسی ترجمه کردند. نسخه‌ای فارسی از ترجمهٔ مهران در کتابخانهٔ موزهٔ طوقی‌سرای^۲ موجود است که در انجامة پارهٔ نخست آن، کتابت علی اختیار خراسانی در ۵۶۰ و در انجامة پارهٔ دوم، ترجمه و کتابت علی‌بن شریف حسینی در ۸۶۷ برای امیرستم کهدمی (متوفی ۸۹۳)، از حاکمان محلی گیلان، به‌چشم می‌خورد و به‌نظر می‌رسد ترجمهٔ این نسخهٔ دو قسمتی را این دو تن در دو مقطع تاریخی انجام داده باشند (← سزگین، ج ۳، ص ۶۰؛ عرفانیان، ۱۳۸۰ ش، ج ۱۹، ص ۶۵۱؛ مایل هروی، ص ۴۵۶؛ نیز ← استوری^۳، ج ۲، بخش ۲، ص ۱۹۵). در ۱۰۶۸، در زمان شاه‌عباس دوم صفوی، غیاث‌الدین محمد رضوی ترجمهٔ فارسی دیگری از متن عربی مهران‌بن منصور انجام داده‌است. نسخهٔ مصور رنگینی از این ترجمه در کتابخانهٔ بنیاد خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه^۴ در سن‌پترزبورگ وجود دارد (← > از بغداد به اصفهان <^۵، ص ۲۲۸-۲۳۷؛ دانش‌پژوه، ص ۱۶۱).

ب) شرحها. قرن‌ها، و حتی امروزه، نام و ماهیت برخی از داروهای کتاب الحشائش پوشیده مانده‌است. به همین علت،

1. Bibliothèque nationale de France

2. Topkapi Sarayı Müzesi Kütüphanesi

3. Storey

4. Institute of Oriental Studies of the Russian Academy of Sciences

5. De Bagdad à Ispahan

6. Maimonides

7. Max Meyerhof

8. Brockelmann

9. Bankipore

10. Albert Dietrich

11. Göttingen

در بیشتر نسخه‌های موجود الحشائش، نگاره‌هایی از گیاهان دارویی و برخی جانوران وصف شده وجود دارد که از منظر تاریخ هنر جالب توجه است، اما مدرکی وجود ندارد که نشان دهد چنین نگاره‌هایی از خود دیوسکوریدس باشد. شاید در سده‌های پس از مرگ او، نقاشانی این نسخه را به تصاویری متفاوت آراسته باشند (پزشکی کهن <، همان مقدمه، ص ۱۰؛ > دایرةالمعارف تمدن اسلامی در سده‌های میانه <، ذیل "Pharmacology"). از معروف‌ترین نسخه مصور، همان نسخه یولیانایونیکیا و تصاویر گیاهان این نسخه برگرفته از کتاب کراتواس است (پزشکی کهن <، همان مقدمه، ص ۱۰-۱۱). تصاویر موجود در نسخه‌های عربی الحشائش نیز گاه از هنر بیزانسی و گاه از مکاتب نگارگری ایران و بغداد تأثیر پذیرفته‌اند (د. اسلام، چاپ دوم، ذیل ماده). نسخه‌ای از کتاب دیوسکوریدس، به کتابت و تصویرگری عبداللّه بن الفضل در ۶۱۹، در موزه هنر متروپولیتن وجود دارد که تصاویرش متأثر از هنر بیزانسی است (فریدلی^۳، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ گری^۴، ص ۸۹-۹۰).

در سالهای اخیر، کوششهایی در شرح و گره‌گشایی از برخی ابهامات کتاب دیوسکوریدس انجام گرفته‌است، ازجمله آثار صادق و ریدل. کتاب صادق برخلاف عنوانش^۵، ترجمه عربی کتاب الحشائش نیست، بلکه پژوهشی از منظر تاریخ هنر درباره قدیم‌ترین نسخه‌های خطی عربی این کتاب مؤلف توضیحات کوتاهی را از ترجمه‌های عربی این کتاب (ص ۷-۱۳)، نسخ خطی موجود (ص ۱۳-۱۹)، و تأثیر آنها در پزشکی دوره اسلامی (ص ۴۸-۵۰) آورده‌است. چون نسخه کتابخانه دانشگاه لیدن، قدیم‌ترین و کامل‌ترین نسخه الحشائش است، صادق فهرست کاملی از تصاویر این نسخه را آورده و با مقایسه آنها با تصاویر دو نسخه یونانی دیگر، نشان داده که تصاویر نسخه عربی مستقل از نسخه‌های یونانی بوده و از سنتهای نگارگری رایج در سمرقند، که نسخه‌ناتلی نیز از آن نشأت گرفته، تأثیر پذیرفته‌است. چنان‌که تصاویر درختان در نسخه‌های یونانی وجود نداشته و بعدها تحت تأثیر نسخه‌های عربی، این تصاویر به نسخه‌های یونانی نیز راه یافته‌است (ص ۱۵۵؛ قس ریدل، ۱۹۸۵، ص ۶۳۳-۶۳۴؛ نیز برنت^۶، ص ۴۲۷-۴۲۸؛ صلیبا، ص ۳۷۴-۳۷۶؛ لیونز^۷، ص ۵۷۰-۵۷۱؛ اشترومایر^۸، ص ۷۴۳-۷۴۵؛ درباره اثر ریدل بر ریدز^۹، ص ۸۵-۸۸؛ برای منبع‌شناسی کتاب

ابن‌عبری نیز شرحی بر الحشائش نگاشته‌است (سارتون، ج ۲، بخش ۲، ص ۷۸۷).

در ترجمه و شرح این کتاب، علاوه بر حکمای اسلامی، افراد دیگری در جهان اسلام، با الگوگرفتن و استفاده از این کتاب و آثار دیگر دانشمندان یونانی، آثاری تألیف کردند. در مشرق جهان اسلام، ابوریحان بیرونی* شاید نخستین کسی باشد که دیوسکوریدس را ستوده، بارها از کتاب او سود برده و حتی به مترجمان عربی‌نویس این کتاب انتقاد کرده که برای داروهایی که معادل عربی آنها وجود داشته، نام یونانی آورده‌اند و به معادل‌های آنها اطمینان نداشته‌است (ص ۱۲-۱۳، ۱۶ و فهرست نام اشخاص، ذیل «دیسکوریدس»). عربی‌نویسانی چون رازی* (متوفی ۳۱۳) در تألیف جزء ۲۰ و ۲۱ الحواوی فی الطب در معرفی خواص داروها (ج ۷، جزء ۲۰، ص ۵-۸، جزء ۲۱، ص ۵-۷، ۹؛ نیز اولمان^۱، ص ۲۶۱) و ابن‌سینا* (ج ۱، کتاب ۲، ص ۳۷۶، ۳۸۱، ۳۸۳) و نیز فارسی‌نویسانی مانند ابومنصور موفق بن علی هروی* (سده چهارم؛ فهرست نام اشخاص و عناوین و القاب، ذیل «دسکوریدوس»، «دیوسکوریدوس» و «ذیاسکوریدوس»)، انصاری شیرازی* (متوفی ۸۰۶؛ [ص ۸، ۱۱، ۱۴])، اسماعیل جرجانی* (متوفی ۵۳۱؛ کتاب ۳، فهرست موضوعی، ذیل «دیسکوریدوس») و دیگر حکمای شرق جهان اسلام در نگارش آثار خود از الحشائش بهره فراوان برده‌اند (بلدی، ص ۸۷-۸۸؛ د. ایرانیکا، ذیل "Botanical studies on Iran.II"). تأثیر کتاب دیوسکوریدس در آثار پزشکی و داروسازی این منطقه را با مقایسه آثار نوشته شده پیش از ترجمه این کتاب (مانند فردوس الحکمه علی بن زین طبری و قربادین کندی) و آثار تألیفی پس از ترجمه آن (مانند الحواوی، قانون و الصیدانه) می‌توان دید (طباطبایی و کلانتر هرمزی، ص ۲۰۹). در غرب جهان اسلام نیز آثاری با استفاده از این کتاب تألیف شده‌است، ازجمله الاعتماد فی الادویة المفردة ابن‌جزار* (متوفی ۳۶۹ یا ۳۹۵؛ ص ۲۰، ۲۳، ۳۳)، فی الادویة المفردة غافقی* (متوفی ۵۶۰؛ [ص ۱۲]) و منتخب کتاب جامع المفردات او (ج ۱، قسم ۱، ص ۹-۱۰)، الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة ابن‌بیطار (ج ۱، ص ۲؛ نیز الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة*) و الادویة المفردة ابن‌واید* (متوفی ۴۶۷؛ ص ۵؛ نیز سارتون، ج ۱، ص ۷۲۸، ج ۲، بخش ۲، ص ۶۶۳؛ سرگین، ج ۴، ص ۳۱۴).

1. Ullmann

2. The Metropolitan Museum of Art

3. Friedley

4. Gray

5. The Arabic materia medica of Dioscorides, Québec 1983

6. Burnett

7. Lyons

8. Strohmaier

9. Reeds

دیوسکوریدس و آثار منسوب به او ← زندگینامه علمی دانشوران، همانجا).

منابع: ابن ابی اصیبه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، چاپ نزار رضا، بیروت [۱۹۶۵]: ابن بیطار، تفسیر کتاب دیاسکوریدوس فی الادویة المفردة، چاپ ابراهیم بن مراد، بیروت ۱۹۸۹؛ همو، الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة، بولاق ۱۲۹۱، چاپ افست بغداد [بی تا]: ابن جزّار، الاعتماد فی الادویة المفردة: العلاج بالادویة العربیة، چاپ ادوار قش، بیروت ۲۰۰۴؛ ابن جلجل، طبقات الاطباء و الحكماء، چاپ فؤاد سید، قاهره ۱۹۵۵؛ ابن سینا؛ ابن عبّری، تاریخ مختصر الدول، چاپ انطون صالحانی، بیروت ۱۹۵۸؛ ابن عذاری، البیان المُعَرَّب فی اخبار الاندلس و المغرب، ج ۲، چاپ ژ.س. کولن و ا. لوی-پرووانسال، بیروت ۱۹۸۳؛ ابن ندیم؛ ابن وفاق، کتاب الادویة المفردة، چاپ احمد حسن بسج، چاپ افست تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، ۱۳۸۶ ش؛ ابوریحان بیرونی، کتاب الصيدیة فی الطبّ، چاپ عباس زریاب، تهران ۱۳۷۰ ش؛ احمد عیسی، تاریخ النبات عند العرب، مصر ۱۹۴۴/۱۳۶۳، چاپ افست تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران ۱۳۸۷ ش؛ علی بن حسین انصاری شیرازی، اختیارات بدیعی، نسخه خطی موزه بریتانیا، ش ۳۴۹۹، نسخه عکسی کتابخانه بنیاد دایرة المعارف اسلامی؛ داوود بن عمر انطاکسی، تذکرة اولی الالباب [و] الجامع للمعجب المُعْجَب، [قاهره] ۱۹۹۶/۱۴۱۶؛ احمد بن محمد بلدی، کتاب تدبیر الحیالی و الاطفال و الصبیبان و حفظ صحتهم و مداواة الامراض العارضة لهم، چاپ محمود حاج قاسم محمد، [بغداد] ۱۹۸۰؛ تقی بینش، «دربارة» کتاب الحشائش»، نامه آستان قدس، دوره ۷، ش ۱ (فروردین ۱۳۴۶)؛ اسماعیل بن حسین (حسن) جرجانی، کتاب ذخیره خوارزمشاهی، چاپ محمدرضا محرری، تهران ۱۳۸۰ ش - ؛ عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۴، تهران ۱۳۳۵ ش؛ محمد تقی دانش پژوه، «دربارة» ترجمه حشایش»، نامه آستان قدس، دوره ۱۰، ش ۱ (۱۳۴۷ ش)؛ پدانیوس دیوسکوریدس، الحشایش، ترجمه مهران بن منصورین مهران، چاپ عکسی از نسخه خطی [کتابخانه] کاخ گلستان، تهران ۱۳۸۳ ش؛ همان کتاب الحشایش فی هیولی العلاج الطبّی، ترجمه حنین بن اسحاق و اِسطفین بن تسیل، اصلاح حسین بن ابراهیم نانلی، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه لیدن، ش Or.289؛ همان: هیولی الطبّ فی الحشائش و السموم، ترجمه اصطفین بن بسیل و اصلاح حنین بن اسحاق، چاپ سزار ا. دوبلر و الیاس ترس، تطوان ۱۹۵۲؛ محمد بن زکریا رازی، الحاوی فی الطبّ، چاپ محمد محمد اسماعیل، بیروت ۲۰۰۰/۱۴۲۱؛ شرح لکتاب دیاسکوریدوس فی هیولی الطبّ، وضعه مؤلف مجهول فی نهاية القرن السادس الهجری، حقیقه و نقله الی اللغة الالمانیة و علق علیه آلبرت دیترش، گوتینگن ۱۹۸۸/۱۴۰۸؛ رمضان شنن، جمیل آقینار، و جواد ایزگی، فهرس مخطوطات الطبّ الاسلامی باللغات العربیة و التترکیة و الفارسیة فی مکتبات ترکیا، استانبول ۱۹۸۴/۱۴۰۴؛ محمود طباطبایی و عبد الجلیل کلانتر هرمزی، «تأثیر کتاب دیسکوریدس بر نگارش منابع طب سنتی اسلامی و ایرانی»، پژوهش در پزشکی، دوره ۳۳، ش ۴ (زمستان ۱۳۸۸)؛ غلامعلی

عرفانیان، «دربارة» کتاب الحشائش، یا، خواص الاشجار»، در مجموعه مقالات کنگرة بین المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی: ۲۱-۲۳ شهریور ۱۳۷۴، دفتر ۳، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۹ ش؛ همو، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۱۹، مشهد ۱۳۸۰ ش؛ احمد بن محمد غفافی، کتاب فی الادویة المفردة، نسخه خطی نیمه اول کتاب، کتابخانه اوسلر، دانشگاه مکنگیل، ش ۷۵۰۸؛ همو، منتخب کتاب جامع المفردات، انتخابه ابن عبّری، چاپ ماکس مایر هوف و جورجی صبحی، ج ۱، قسم ۱، قاهره ۱۹۳۲، در الطبّ الاسلامی، ج ۵۱، چاپ افست فرانکفورت: معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة، ۱۹۹۶/۱۴۱۷؛ عبدالحسین فیلسوف الدوله، مطرح الانظار فی تراجم اطباء الاعصار و فلاسفة الامصار، چاپ میرهاشم محدث، تهران ۱۳۸۸ ش؛ محمد قزوینی، یادداشت‌های قزوینی، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۶۳ ش؛ علی بن یوسف قفطی، تاریخ الحكماء، و هو مختصر الزوزنی المسمی بالمنتخبات الملتقطات من کتاب اخبار العلماء باخبار الحكماء، چاپ یولیوس لیبرت، لایپزیگ ۱۹۰۳؛ نجیب مایل هروی، سایه به سایه: دفتر مقاله‌ها و رساله‌های عرفانی، ادبی و کتاب‌شناختی، تهران ۱۳۷۸ ش؛ محمد بن محمد مراکشی، الذیل و التکملة لکتابی الموصل و الصلة، سفر ۵، قسم ۱، چاپ احسان عباس، بیروت [؟] ۱۹۶۵؛ احمد بن محمد مقرئ، نفع الطیب، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۶۸/۱۳۸۸؛ محمود نجم آبادی، تاریخ طب در ایران، ج ۱، تهران ۱۳۷۱ ش؛ حکیم ترواسپی، تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان، راولپندی ۱۳۵۳ ش؛ موقبن علی هروی، الابنیة عن حقایق الادویة، تصحیح احمد بهمنیار، چاپ حسین محبوبی اردکانی، تهران ۱۳۴۶ ش؛ یعقوبی، تاریخ؛

Tamáš Bezecký, "Amphorae from the forum of Emona", *Arheološki vestnik (= Acta archaeologica)*, no.45 (1994); Carl Brockelmann, *Geschichte der arabischen Litterature*, Leiden 1943-1949, *Supplementband*, 1937-1942; C. S. F. Burnett, "[Review of] *The Arabic materia medica of Dioscorides*, by Mahmoud M. Sadek", *The classical review*, new series, vol.35, no.2 (1985); Florence E. Day, "Mesopotamian manuscripts of Dioscorides", *The Metropolitan Museum of Art bulletin*, new series, vol.8, no.9 (May 1950); *De Bagdad à Ispahan: manuscrits islamiques de la Filiale de Saint-Petersbourg de l'Institut d'études orientales*, Académie des sciences de Russie, Paris: Fondation ARCH, Paris-Musées, 1994; *Dictionary of scientific biography*, ed. Charles Coulston Gillispie, New York: Charles Scribner's Sons, 1981, s.v. "Dioscorides" (by John M. Riddle); Pedanius Dioscorides, *Dioskorides*, ed. Janus Cornarius, Basel 1529; *ibid: Dioscorides de materia medica: being an herbal with many other medicinal materials*, [ed. and tr.] Tess Anne Osbaldeston

Mahmoud M. Sadek, *The Arabic materia medica of Dioscorides*, Québec 1983; idem, "Notes on the introduction and colophon of the Leiden manuscript of Dioscorides' *De materia medica*", *International Journal of Middle East studies*, vol. 10 (1979); George Saliba, "[Review of] *The Arabic materia medica of Dioscorides*, by Mahmoud M. Sadek", *Journal of the American Oriental Society*, vol.107, no.2 (Apr. - June 1987); George Sarton, *Introduction to the history of science*, Malabar, Fla. 1975; John Scarborough, "Early Byzantine pharmacology", in *Symposium on Byzantine medicine*, ed. John Scarborough, Washington, D.C.: Dumbarton Oaks Research Library and Collection, 1985; Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Leiden 1967- ; Henry E. Sigerist, "[Review of] *Materia medica [of Dioscorides]*", ed. H. Mihăescu", *The American journal of philology*, vol. 62, no.1 (1941); Jerry Stannard, "Aspects of Byzantine *Materia medica*", *Dumbarton Oaks papers*, vol.38 (1984); idem, "Dioscorides and Renaissance *Materia medica*", in *Materia medica in the XVIth century: proceedings of a symposium of the International Academy of the History of Medicine*, Oxford [1966], repr. in Jerry Stannard, *Herbs and herbalism in the Middle Ages and Renaissance*, ed. Katherine E. Stannard and Richard Kay, Aldershot, Hampshire 1999a; idem, "P. A. Mattioli and some renaissance editions of Dioscorides", in *Books and libraries at the University of Kansas*, vol.4, Lawrence 1966, repr. in Jerry Stannard, *ibid*, 1999b; idem, "P. A. Mattioli: sixteenth century commentator on Dioscorides", in *Bibliographical contributions*, vol.1, Lawrence 1969, repr. in *ibid*, 1999c; Charles Ambrose Storey, *Persian literature: a bio-bibliographical survey*, vol.2, pt.2, London 1971; Gotthard Strohmaier, "[Review of] *The Arabic materia medica of Dioscorides*, by Mahmaud M. Sadek", *Gnomon*, vol.57, no. 8 (1985); Manfred Ullmann, *Die Medizin im Islam*, Leiden 1970; J. Vernet, "[Review of] *La materia medica' de Dioscórides: transmisión medieval renacentista*, by Cesar E. Dubler", *Oriens*, vol.11, no.1/2 (Dec. 1958).

/ شمامه محمدی فر /

ديوسلطان، لقب علی بیگ روملو، حاکم بلخ، امیرالامرای شاه اسماعیل و وکیل شاه طهماسب اول صفوی. او

and Robert P. A. Wood, Johannesburg 2000; *ibid*: *The Greek herbal of Dioscorides*, tr. John Goodyer, 1655, ed. Robert T. Gunther, Oxford 1934; *EI*, s.v. "Botanical studies on Iran.I: the Greco-Islamic tradition" (by Hüšang A.lam); *EI*², s.v. "Diyušküridīs" (by C. E. Dubler); Durr Friedly, "Mohammedan manuscripts", *The Metropolitan Museum of Art bulletin*, vol.9, no.7 (July 1914); Basil Gray, "persian miniatures", *The British Museum quarterly*, vol.9, no.3 (Feb. 1935); Johannes Ilberg, *Das Hippokrates-Glossar des Erotianos und seine ursprüngliche Gestalt*, Leipzig 1893; Edward Kremers and George Urdang, *Kremers and Urdang's history of pharmacy*, ed. Glenn Sonnedecker, Philadelphia 1963; Martin Levey, *Early Arabic pharmacology*, Leiden 1973; Jaroslav Levy, "[Review of] *The Greek herbal of Dioscorides*, tr. John Goodyer, ed. Robert T. Gunther", *Isis*, vol.51, no.4 (Dec. 1960); Henry George Liddell and Robert Scott, *A Greek-English lexicon*, Oxford 1977; Malcolm Cameron Lyons, "[Review of] *The Arabic materia medica of Dioscorides*, by M. M. Sadek", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, vol. 49, no. 3 (1986); Maimonides, *Šarḥ asmāʾ al-ʿuqūr* شرح أسماء العقار (*L'explication des noms de drogues*), un glossaire de matière médicale..., tr. 8 ed. Max Meyerhof, Cairo 1940; *Medicina antiqua: codex vindobonensis 93, Vienna, Österreichische Nationalbibliothek*, London: Harvey Miller Publishers, 1999; *Medieval Islamic civilization: an encyclopedia*, ed. Josef W. Meri, New York: Routledge, 2006, s.v. "Pharmacology" (by Alain Touwaide); Vivian Nutton, *Ancient medicine*, London 2004; De Lacy O'Leary, *How Greek science passed to the Arabs*, London 1949; Linette A. Parker, "A brief history of *Materia medica*", *The American journal of nursing*, vol.15, no.9 (June 1915); Plinius/ Pliny [the Elder], *Natural history*, with an English translation, vol.6, tr. W. H. S. Jones, Cambridge, Mass. 1969, vol.7, tr. W. H. S. Jones, Cambridge, Mass. 1966; Karen Reeds, "[Review of] *Dioscorides on pharmacy and medicine*, by John M. Riddle", *Isis*, vol.78, no.1 (Mar. 1987); John M. Riddle, "Byzantine commentaries on Dioscorides", *Dumbarton Oaks papers*, vol. 38 (1984); idem, "Lithotherapy in the Middle Ages", *Pharmacy in history*, no. 12 (1970); idem, "[Review of] *The Arabic materia medica of Dioscorides*, by Mahmoud M. Sadek", *Isis*, vol.76, no. 4 (Dec. 1985);